



ظلم و ستم بنی امیه از دیدگاه امام علی(ع)/ شجره ملعونه چه خاندانی است؟

جمعی از مفسران شأن نزول آیه 60 سوره اسراء را اشاره به جریان معروفی می‌دانند که در ضمن آن پیامبر(ص) در خواب دید میمون‌هایی از منبر او بالا می‌روند و پائین می‌آیند، این میمون‌ها را بنی امیه تفسیر کرده‌اند. شجره ملعونه همان دودمان بنی امیه است.

جمعی از مفسران شأن نزول آیه 60 سوره اسراء را اشاره به جریان معروفی می‌دانند که در ضمن آن پیامبر(ص) در خواب دید میمون‌هایی از منبر او بالا می‌روند و پائین می‌آیند، این میمون‌ها را بنی امیه تفسیر کرده‌اند. شجره ملعونه همان دودمان بنی امیه است.

امام علی(ع) در خطبه نود و هشتم نهج البلاغه طی سخنانی در مورد ستم‌های بنی امیه می‌فرمایند: «به خدا سوگند آنها همچنان به ستم پردازند تا آنجا که حرامی باقی نگذارند و همه را حلال شمردند و تمام پیمان‌های الهی را بشکنند! حتی خانه و خیمه ای باقی نماند مگر آنکه ستمشان در آنجا راه یابد و فساد و سوء تدبیر آنها مردم را از خانه های خویش فراری دهد تا آنجا که مردم دو دسته شوند و هر دو دسته بگیرند گروهی برای دینشان و گروهی برای دنیایشان. کار به قدری ختم شود که شما همچون بردگانی که خود را مجبور به یاری اربابان می بینند ناچار از کمک به آنها شوید. در حضور ناگزیر از اطاعت باشید و در غیاب بدگویی نمائید و تا آنجا که هر کس به خدا امیدوارتر (و پرهیزکارتر) است بیش از همه مصیبت و رنج بیند! پس اگر خداوند برای شما عافیت و سلامت و گشایش و فرجی پیش آورد بپذیرید (خدا را شکر کنید) و اگر به رنج و ناراحتی گرفتار شدید شکبیا باشید که سرانجام پیروزی با پرهیزکاران است.»

لغت "بنی امیه" از دو بخش تشکیل شده است: 1- بنی (بنین): جمع این که در لغت عربی به معنی پسر است [1] و از ریشه بُنِی به معنی ساختن عمارت و بناست، نامیدن فرزند به ابن از این جهت است که پدرش او را ساخته است. [2] 2- امیه: مُصْغَرِ امه [3] و در لغت به معنی کنیز می‌باشد. [4] (اموی و اموی هر دو صحیح است) [5] "بنی امیه" در اصطلاح شاخه‌ای از خاندان قریش است که در سال 41 هـ. ق تا 132 هـ. ق بر سراسر جهان اسلام و از سال 138 هـ. ق تا 422 هـ. ق بر اسپانیا حکومت کردند. جد بزرگ این خاندان "امیه بن عبد شمس"، جد مشترک عثمان بن عفان و معاویه بن ابی سفیان است. [6] وی همان امیه اکبر است و درباره وی بیش از چند روایت مختصر چیزی در دست نیست. [7]

فرزندان امیه به دو گروه "اعیاص" و "عنابس" تقسیم می‌شوند: عاص، ابوالعاص، عیص و ابوالعیص از این رو که در نامشان شباهت وجود دارد به «اعیاص» شهرت یافته‌اند، مروان بن حکم و فرزندانش از نسل اعیاص هستند. دسته دیگر به جهت مقاومت در نبرد عکاظ به «عُتْسَبَه» یعنی شیر، مشهورند و به ایشان "عنابس" گویند، پدر ابوسفیان (حرب)، ابوسفیان و فرزندش معاویه از نسل عنابس هستند. [8]

بنی امیه در عصر جاهلیت: آنها در اطراف کعبه، مرکز مکه سکونت داشتند (که با فتح مکه برخی از آنان به مدینه مهاجرت کردند) [9] حرب پدر ابوسفیان از بزرگان مکه به شمار می‌رفت و به خاطر مقام و منزلت عبدالمطلب (بزرگ خاندان بنی هاشم) به وی حسادت می‌ورزید، در نبردهای اعراب فرمانده سپاه قریش بود و پس از وی به فرزندش ابوسفیان رسید. [10] امویان در عصر جاهلی از توانگران قریش به شمار می‌آمدند و تجارت پیشه بودند و با قبائل دیگر برای کسب تصدی منصبهای کعبه و به رخ کشیدن برتری شان، درگیری داشتند. [11]

بنی امیه در عصر بعثت حضرت رسول(ص)

ظهور پیامبری از بنی هاشم باعث حسادت بنی امیه گردید، از این رو امویان همچون دیگر قبائل قریش، مواضع سختی در برابر رسول خدا (ص) اتخاذ کردند، تنها تعداد انگشت‌شماری به پیامبر ایمان آوردند و برای حفظ ایمانشان به حبشه مهاجرت کردند. [12]

بنی امیه بعد از پیامبر (ص)

ابوسفیان در عهد عمر بن خطاب محترم بود و معاویه را از مخالفت با عمر بر حذر می‌داشت با انتخاب عثمان بن عفان به مقام خلافت (که خود از خاندان بنی امیه بود) امویان توانستند قدرت و نفوذ خود را پیش از گذشته گسترش دهند، افرادی از بنی امیه به ولایت شهرهای مهم گماشته شدند و به برخی، اموال هنگفتی رسید. [13]

نخستین کسی که در بنی امیه حکومت تشکیل داد و دولت اموی را پایه گذاری کرد، "معاویه" پسر ابوسفیان بود. [14] وی يك دولت عربی محض در شام پی افکند که 90 سال دوام یافت و پس از او 13 تن از اعضای خاندان او بر جهان اسلام حکومت کردند. [15] چهره‌های مشهور بنی امیه در زمان حضرت امیر (ع) از بیعت با ایشان سرباز زدند و به بهانه خونخواهی عثمان، با عایشه همراه شدند و جنگ جمل را به راه انداختند و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و بسیاری از بنی هاشم و شیعیان را به شهادت رساندند. [16]

از خلفای اموی چهار تن سر آمد دیگران بودند: معاویه، عبدالمک، هشام و عمر بن عبد العزیز، به جز عمر بن عبدالعزیز همه آنها مردانی دنیاجوی و خوشگذران بودند اما عمر بن عبدالعزیز کوشید بار دیگر سنت رسول اکرم(ص) را احیا کند و فساد رایج در دستگاه بنی امیه را براندازد. وی فدک را بازگردانید، ناسزاگویی به حضرت امیر (ع) بر سر منبرها را برداشت و... [17]

یادکرد قرآن از بنی امیه

دشمنی بنی امیه با بنی هاشم و موضع گیری ایشان در برابر قرآن و پیامبر (ص) موجب شد آیاتی از قرآن درباره آنها نازل شود، اما در هیچ آیه‌ای به طور رسمی و صریح از این طایفه نامی نیامده است و هیچ آیه‌ای در مدح بنی امیه و یا یکی از افراد این طایفه نازل نشده است. [18] «...وَمَا جَعَلْنَا الرُّيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» [19] «...و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود، همچنین شجره ملعونه (درخت نفرین شده) را که در قرآن ذکر کرده‌ایم و ما آنها را بیم داده (و انزار) می‌کنیم اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی‌افزاید».

اغلب مفسران این آیه را درباره بنی امیه می‌دانند، جمعی از مفسران شأن نزول این آیه را اشاره به جریان معروفی می‌دانند که در ضمن آن پیامبر (ص) در خواب دید میمونیهایی از منبر او بالا می‌روند و پائین می‌آیند، این میمونیه را بنی امیه تفسیر کرده‌اند. [20] شجره ملعونه نیز یکی از اقوام ملعونه در کلام خداست، این شجره، دودمان بنی امیه است. [21]

سرانجام بنی امیه

در سال 132 ه. ق. عباسیان با تکیه بر قوای خراسانی (ابومسلم خراسانی) به حکومت بنی امیه پایان دادند و بسیاری از ایشان را کشتند، یکی از امویان به شهر اندلس گریخت و حکومتی در آنجا تأسیس کرد که نزدیک به سه قرن دوام یافت. [22]

مختصری از تاریخ حکومت بنی امیه و جنایات آنها

حکومت بنی امیه از خلافت عثمان در سال 24 هجری شروع و در سال 132 هجری با کشته شدن مروان بن محمد پایان یافت، بنی امیه در قرآن به عنوان شجره ملعونه (درخت ملعون) نام برده شده است و پیامبر اکرم (ص) در خواب دید که بنی امیه مانند بوزینه بر منبر او جست و خیز می‌کنند و از این امر غمگین گردید و در حدیث است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی پسران عاص (فرزند امیه) به چهل نفر رسد مال خدا را میان خود می‌گردانند و بندگان خدا را برده خود کنند.

از عثمان و فسادها و ترویج خاندان بنی امیه و حیف و میل بیت المال و تحریفهای زمان او که بگذریم، معاویه است که فساد و بدعت و قتل و جنایت او در کتابهای تاریخ ذکر شده است و ما قبلاً اندکی از آن را نقل نمودیم. دیگری یزید پسر معاویه است که سه سال و نه ماه حکومت کرد که در سال اول سیدالشهدا (ع) را با جماعتی از خاندان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و یاران او با وضعی فجیع شهید نمود و نوامیس پیامبر (ص) را به اسارت گرفت و در شهرها به نمایش گذارد.

در سال سوم واقعه حره را به پا نمود و در یک یورش به مدینه منوره، قتل عامی عجیب نمودند و ده هزار نفر را کشتند و سپس به نوامیس مردم پرداختند و اموال و زنان مردم مدینه را تا سه روز بر سپاهیان مباح کردند و کردند از جنایت آنچه کردند و قلم از نگارش آن شرم دارد و به گونه ای که هزاران زن از زنا باردار شدند و برخی ده هزار نفر گفته اند و ایشان را اولاد الحره می‌نامیدند، حتی حریم مسجد نبوی از جسارت مصون نماند، مردم متحصن در مسجد را چنان قتل عام کردند که روضه مسجد پر از خون شد و تا قبر رسول (ص) خون رسید، اسبهای ایشان حرم را آلوده کردند.

بعد از این جریان در اواخر سلطنت یزید، برای دفع شورش عبدالله بن زبیر، خانه خدا را به آتش کشیدند و دیوارهای آن فرو ریخت و یکی از احکام اموی عبدالملک بن مروان است که مقداری در مورد او سخن گفته ایم و بعداً در مورد فرماندار جنایت پیشه او حجاج بیشتر سخن خواهیم گفت و دیگر از حکام اموی ولید بن یزید بن عبدالملک است آن مرد بی دین و فاسق و فاجر که حتی به ظواهر اسلام نیز ملتزم نبود و همواره به شراب خواری و انواع بازیها و فسقها مشغول بود، گاهی که خیلی سرحال بود خود را در حوضی از شراب که آماده کرده بود می انداخت و آنقدر می خورد که کم شدن آن معلوم می شد.

گویند: شبی مست کرد و سوگند یاد کرد که کنیز مست خود را که جنب نیز بود برای نماز جماعت به مسجد فرستد، لباس خود را بر او پوشاند و او را به مسجد فرستاد تا با مردم نماز گزارد و او همان گستاخی است که تصمیم گرفت بر بام کعبه مراسم عیاشی به پا کند، روزی به قرآن تفأل زد آیه مبارکه «و استفتحوا و خاب کل جبار عنید» [23] آمد. ناراحت شد و قرآن را به گوشه ای نهاد و آنرا آنقدر تیرباران کرد تا پاره پاره شد و اشعاری سرود که مضمون آن این بود: آیا مرا به عنوان ستمگر معاند تهدید می‌کنی؟ آری من آن ستمگر کینه توزم، وقتی روز قیامت نزد خدایت رفتی بگو: خدایا ولید مرا پاره پاره کرد.

حکایات معاشقه او با زنان بدکاره در تاریخ مستور است [24] آری اینانند همان شجره ملعونه که امیرالمؤمنین (ع) از آنها در این خطبه سخن گفته و جنایات آنها را اجمالاً بیان نموده است. در نهج البلاغه است که حضرت امیر (ع) فرمود: (بنی امیه آنقدر بر امور مسلط شوند) تا اینکه گمان کننده گمان می کند دنیا به تسخیر بنی امیه درآمده، سود خود را به آنها می دهد و بر آب صاف و پاکیزه خود فروشان می آورد (دنیا کاملاً به کام آنهاست) و تازیانه و شمشیر آنها (ظلم و ستمشان) از این امت برداشته نمی شود. با اینکه این گمان باطل است و دولت بنی امیه و بهره وری آنها در زندگانی دنیا مانند اندک آبی است که هنوز درست نچشیده تمامی آنرا بیرون می اندازند.

و در خطبه دیگر فرمود: بنی امیه را مهلتی و میدان فرصتی است (اسب سلطنت را) در آن جولان می دهند و چون در خلاف میان آنها اختلاف و زد و خورد افتاد، کفتارها آنها را فریب داده و بر آنها تسلط یابند. مسعودی مدت حکومت بنی امیه را هزارماه، معادل هشتاد و سه سال و چهار ماه تمام می داند همچنان که در روایتی آمده است چون پیامبر اکرم (ص) در خواب دید بنی امیه چون بوزینه‌گان بر منبرش جست و خیز می کنند، ناراحت شد، خداوند سوره مبارکه قدر را فرستاد که در آن فرمود: «ليلة القدر خير من الف شهر: شب قدر از هزار ماه برتر است.» [25]

شارح نهج البلاغه گوید: اینکه حضرت، ابومسلم را به کفتار تشبیه کرد، خبر صریحی است از غیب، زیرا انقراض بنی امیه به دست ابومسلم و او در اول کار خود عاجزترین و فقیرترین مردم بوده است. [26]

پی نوشتها:

- [1]. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1375، هفتم، ج 1، ص 233
- [2]. راغب اصفهانی، مفردات، ترجمه غلامرضا حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1375، دوم، ج 2، ص 315 و 314
- [3]. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، 1377، دوم، ج 3، ص 3414
- [4]. قاموس قرآن، پیشین، ص 75
- [5]. لغت نامه دهخدا، پیشین، ص 3414
- [6]. خرمشاهی، بهاء الدین؛ دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان و ناهید، 1377، اول، ج 1، ص 392
- [7]. موسوی، بجنوردی کاظم؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، 1383، اول، ج 12، ص

- [8]. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اعلام قرآن، قم، بوستان کتاب، 1386، ج 3، ص 232-234
- [9]. همان
- [10]. دائرة المعارف بزرگ اسلامي، پيشين، ص 636
- [11]. اعلام قرآن، پيشين، ص 234
- [12]. اعلام قرآن، همان
- [13]. دائرة المعارف بزرگ اسلامي، پيشين، ص 392
- [14]. دانش نامه قرآن و قرآن پژوهي، پيشين، ص 392
- [15]. صدر حاج سيدجوادي، احمد و بهاء الدين خرمشاهي و كامران فاني؛ دائرةالمعارف تشيع، تهران، مؤسسه دائرةالمعارف تشيع، 1371، اول، ج 3، ص 450.
- [16]. اعلام قرآن، پيشين، ص 244-245
- [17]. دانش نامه قرآن و قرآن پژوهي، پيشين، ص 250
- [18]. اعلام قرآن، پيشين، ص 247-249
- [19]. اسراء/ 60 (ترجمه آيه از آيت الله مكارم شيرازي مي باشد).
- [20]. مكارم شيرازي، ناصر و همكاران؛ تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1374، اول، ج 12، ص 171-171
- [21]. طباطبائي، محمد حسين، تفسير الميزان، ترجمه، محمدباقر موسوي همداني، قم، دفتر انتشارات اسلامي، پندج، ج 13، ص 188
- [22]. اعلام قرآن، پيشين، ص 247
- [23]. ابراهيم/ 15.
- [24]. تتمة المنتهى.
- [25]. تتمة المنتهى.
- [26]. شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد.